



اندیشه مطهر

پایگاه مقاومت شهید مطهری دانشگاه فردوسی دی ماه ۱۳۹۰ شماره ۵۲

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ

سلام بر حسین و اربعینش، سلام بر اربعین و زائرانش! و سلام بر اندوه های دل آنان که به سوغات بر مزار کشتگان، عشق بردند و به مویه نشستند. به شوق زیارت صحن و سرای جان فزایت، اربعین شهادتت را به سوگ می نشینیم، یا حسین!

اربعین از رازهای هستی است و اربعین حسین (ع) روز بسط لطف اوست بر پیروان و دوستدارانش. و در مقام حسین (ع) همین بس که در زیارت اربعینش خطاب به جدشان محمد مصطفی (ص) و پدر بزرگوارشان حضرت علی (ع) و مادر گرامیشان فاطمه (س) میگوییم که خداوند عزاداری شما را در رثاء حسین (ع) قبول فرماید

بنام آنکه دایم گفتگوی کربلا دارد

دلی چون جابر اندر جستجوی کربلا دارد

به یاد کاروان اربعینی با گریه می گوید

همی بوسم خاکی را که بوی کربلا دارد . . .



۹دی چه روزی بود؟ روز غلبه بر فتنه

روز روشن شدن چشم ها

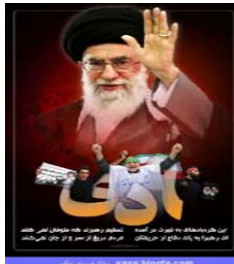
روز روشن شدن هویت گرگ هایی که در پوست میش رفتند

روز نابودی نوزادی به نام فتنه سبز

روز پایداری ایران اسلامی

روز اتحاد و انسجام

۹دی اگر نبود؛ امید دشمن زیاد میشد . امید به شکست مسلمین . امید به شکست ایران اسلامی .



پیام مقام معظم رهبری در روز بصیرت وميثاق با ولایت

۹دی ۱۳۸۸ نقطه عطفی در تاریخ انقلاب اسلامی ایران بود و نقطه پایانی بر فتنه ای سبز رنگ بود فتنه ای که باعث غربال و شناخت سره از ناسره شد و پایانی بود بر فتنه ای شیطانی در کسوت اسلامی. ۹دی ماه روز بصیرت حسینی بود و روز دفاع از مقتدا و امام امت حضرت امام خامنه ای (مدظله العالی). ۹دی ماه به جهانیان نشان داد که ما ایرانیان امام خود را همچون کوفیان تنها نمی گذاریم و همه کربلایی از حریم ولایت خود دفاع می کنیم و تا ظهور تنها ترین سردار عشق حضرت حجت(عج) از نایب برحقش امام خامنه ای پشتیبانی میکنیم ونمی گذاریم تا عده ای زر پرست دنیا دوست رهبرمان را آزرده خاطر نمایند. ۹دی انقلابی بود از جنس شور و شعور ۹دی حرکتی حینی بود که بصیرتی علوی را در بر داشت.

ایرانیان نشان دادند که در دفاع از ولایت از هیچ چیزی دریغ نمی کنند. ۹دی روز رسوایی و بی آبرویی فتنه گران بود، فتنه گرانی که برخی از آنها با متوجه شدن حضور ملت کم کم خود را از صف فتنه گرانی که خود آنها را رهبری می کردند جدا کردند.

۹دی موجب شادی علویان و یاس دجالیان گردید.

ولادت امام موسی کاظم (ع)

به نظر می رسد که روستای ابواء واقع در بین مکه و مدینه بیش از سایر اماکن قافله های حجاج اهل بیت را به سوی خود جلب می کرد زیرا آرامگاه مادر پیامبر آمنه دختر وهب در آنجا قرار داشته است. در راه بازگشت از حج بیت الله الحرام (بحارالانوار، ج ۴۸ ص ۴، المحاسن، ج ۲، ص ۴۱۸) قافله امام ابو عبدالله الصادق (ع) در این روستا توقف کرد. آن روز بنا بر مشهورترین روایات ۷ صفر سال ۱۲۸ هـ. ق بود که امام برای میهمانانش سفره غذا گسترده بود که یکی از جانب زناش به سوی او آمد تا مزده ولادت خجسته فرزندش را به وی برساند. در روایتی که از منهل قصاب نقل کرده اند آمده است: «به قصد مدینه از مکه بیرون شدم و همین که به ابواء رسیدم شنیدم که امام صادق (ع) صاحب فرزند شده است. من زودتر از آن حضرت به مدینه وارد شدم و ایشان یک روز پس از من به مدینه رسید. ایشان (به خاطر ولادت نوزاد) سه روز به مردم طعام داد و من نیز یکی از کسانی بودم که بر سفره طعام امام حاضر می شدم و چنان غذا می خوردم که تا روز بعد نیازی به غذا نداشتم و روز بعد باز بر سفره او حاضر می شدم. من سه روز از طعام آن حضرت خوردم و تا فردا هیچ غذایی نمی خوردم».

در حدیثی از ابو بصیر آمده است:

«در سالی که فرزند ابو عبدالله (ع) امام موسی زاده شد من با آن حضرت همراه بودم. در ابواء فرود آمدیم. ابو عبدالله برای ما و اصحابش سفره غذا گسترده بود، بسیار و نیکو. در همام حال که ما مشغول خوردن بودیم پیک «حمیده» نزد آن حضرت آمد و گفت: حمیده می گوید: اثر وضع حمل در من ظاهر شده است و خود مرا فرمودی که از این امر آگاهت کنم که این فرزند همچون فرزندان دیگر نیست. پس ابو عبدالله (ع) شادمان و خوشحال برخاست و دیری نپایید که به نزد ما برگشت در حالیکه آستینهای خود را بالا زده بود و لبخندی بر لب داشت ما گفتیم: خداوند همواره لبت را خندان و دیده ات را روشن گرداند! حال حمیده چگونه شد؟ فرمود: خداوند بسری به من بخشید که بهترین مخلوق اوست و حمیده دربار او خبری به من داد که من از وی بدان داننا تر بودم و حمیده دربار او خبری به من داد که من از وی

بدان داننا تر بودم؟ فرمود: حمیده خبر داد که چون نوزاد به دنیا آمد دستانش را بر زمین نهاد و سرش را رو به آسمان گرفت. من نیز بدو گفتم که این علامت رسول خدا و علامت امامت است. سپس پرسیدم: فدایت شوم چگونه این علامت امام است؟

فرمود: شبی که نطفه جدم در آن بسته شد کسی پیش جد پدرم که خوابیده بود آمد و کاسه ای برای او آورد. در آن کاسه شربتی روان تر از آب سپیدتر از شیر نرم تر از شیر و شیرین از شهد

و سردتر از یخ بود. پس آن را به وی نوشانید و بدو گفت که آمیزش کند. او نیز شادمان و خوشحال برخاست و آمیزش کرد و نطفه جدم بسته شد و در شبی که نطفه پدرم در آن به هم رسید کسی نزد جدم در آمد و او را نوشانید همچنان که جد پدرم را نوشانیده بود و سپس وی را دستور آمیزش داد و او خوشحال و شادمان برخاست و نطفه پدرم بسته شد. شبی که نطفه من در آن به وجود آمد کسی نزد پدرم در آمد و او را نوشانید و بدو دستور آمیزش داد چنان که به دیگران دستور داده بود. پدرم خوشحال و شادمان برخاست و نطفه من در آن شب بسته شد.

شبی که نطفه این پسر (امام موسی (ع)) پدید آمد کسی نزد من بیامد همچنان که نزد جد پدرم و جد خودم در آمده بود و مرا نوشانید چنان که آنان را نوشانیده بود. من خوشحال و شادمان با آگاهی از آنچه خداوند به من ارزانی فرموده بود برخاستم و نطفه این نوزاد بسته شد. پس بدو تمسک کنید که به خدا او پس از من صاحب الامر شاست». (بحارالانوار، ج ۴۸، ص ۲) همین که امام به مدینه بازگشت سه روز به مردم طعام داد و مردم خبر ولادت این نوزاد فرخنده را به یکدیگر نوید دادند

دلیل ماندگاری اندیشه امام حسین (ع)

بالاترین معرفت در مکتب امام حسین (ع) دریافت عظمت حق و خداترسی است. این امام بزرگوار کسی مثل یزید را شایسته رهبری مسلمانان نمی دانست؛ چون یکی از نقطه ضعفهای یزید بی پروایی در برابر خداوند بود. از بعد دیگر مکتب امام حسین (ع) حق محور بوده و بر پایه آزادی بنا شده است و پارسایی و وارستگی از ویژگیهای بارز امام و یارانش به شمار می رود. عدالت خواهی یکی از برجسته ترین وجوه قیام است، قیامی که برای اجرای حدود الهی اتفاق افتاد. به گفته امام حسین (ع) اصحابش بهترین یاران یعنی بیدار دل، پرواپیشه و در برابر دشمن سازش ناپذیر بودند. کرامت و عزت نفس از خصوصیات آنان بود و فداکار و فروتن و از خود گذشته بودند و همین ابعاد باعث جاودانگی آرمان و اندیشه این قیام به شمار می رود.

مقام معظم رهبری:

«زینب کبری (س)، به مقتدرترین سلاطین زمان خودش در وقتی که خود او اسیر در دست آن سلطان ظالم و سفاک است، می گوید که هر کاری می توانی بکنی، بکن اما نخواهی توانست ما را از صحنه تاریخ بیرون ببری و راه ما را محو کنی تا بشریت نتواند این راه را برود»

«بخش عمده ای از حماسه بزرگ ماندگار عاشورا متعلق به حضرت زینب کبری (س) است».

«حضرت زینب آن کسی است که از لحظه شهادت امام حسین، این بار امانت را بر دوش گرفت و شجاعانه و باکمال اقتدار، آن چنان که شایسته دختر امیرالمؤمنین است در این راه حرکت کرد».

«گاهی رنج و زحمت زنده نگه داشتن خون شهید، از خود شهادت کمتر نیست. رنج چندین ساله زینب کبری

از این قبیل است.

اینک قریب چهل روز از غروب غم فزای شهادت شقایق‌ها می‌گذرد؛ و اینک از صدای نحص سلاق خزان بر پیکر آلاله‌ها، اربعینی می‌گذرد و اسارت، سیلی، غربت، فریاد و بیدارگری سهم حاملان پیغام قاصدک‌های عبرت و عظمت شد. از آن روز تا امروز چهل روز در سوگ ابرمردی نشستیم که حیات اسلام مدیون رگ‌های پاره پاره اوست. قصه سر و نیزه، قصه لب‌های خونین و قرآن، قصه سیلی و صورت گلگون کودک غمگین و تمام حقیقت‌هایی که هر سال از پرده چشمان ما می‌گذرد را شنیده ایم. اربعینی با دختر کوچک حسین (ع) مهر را در آغوش گرفتیم، ناله زدیم، درد دل‌ها گفتیم و شکوه‌ها روانه کردیم. اربعینی از عمق جان، فریاد یا حسین کشیدیم، بر سینه زدیم و خنده را حرام کردیم. کربلا؛ این خارستان خشک و بی‌آب، دریای انسانیت و کمال است، ایفانوس بی‌کرانه‌ای است که در آن گوهر همه عظمت‌ها و خوبی‌ها به رنگ مظلومیت، یافتنی است؛ اما غواص قهار می‌طلبد. و هر کدام به فراخور حالمان از کربلا، محرم، عاشورا و اربعین، برداشتی داریم و بر اساس آن قضاوتی ... در زیارت اربعین پیرامون فلسفه آن آمده است: و بذل مهجته فیک لیستقتذ عبادک عن الجهاله و حیره الظلاله: حسین علیه السلام خون قلبش را به آستان الهی هدیه داد تا بندگان را از ظلمت جهل و نادانی و حیرت گمراهی‌های رخسار شیعیه همیشه و در تمامی روزهای سوگواری حضرت سیدالشهداء علیه السلام و از آن جمله روز اربعین آن حضرت، در زیارت و اقامه ماتم و عزاداری کوتاهی نکرده و از اینجاست که امام حسن عسکری علیه‌السلام زیارت اربعین را از علایم ایمان شمرده است.

آری، تنها زیارت اربعین سیدالشهداء علیه السلام است که مؤمن خالص را از دیگران تمیز می‌دهد، و دوستان اهل بیت علیهم السلام را از غیر آنان جدا می‌کند. و مؤمن واقعی کسی است که نگذارد آثار نهضت حسین علیه السلام فراموش شود و در قدردانی و شرکت در هدف آن حضرت کوتاهی نرزد. پیروان و دوستان امام حسین علیه السلام امیدوارند تا از این طریق مشمول این حدیث نبوی شوند که جابر بن عبدالله انصاری - از صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و نخستین زائر قبر حضرت اباعبدالله در اولین اربعین سیدالشهداء روایت کرده است: «کسی که قومی را دوست دارد با آنها محشور می‌شود و کسی که عمل قومی را دوست دارد با ایشان شریک می‌باشد».

دل‌هایمان بی‌تاب سالار شهیدان، و چشمانمان بر مظلومانه‌ترین شهادت تاریخ همواره درخشان و بارانی باد.

پدر و مادر امام موسی کاظم (ع)

پدرش: پیشوای هدایت ابو عبدالله جعفر بن محمد (ع) ملقب به صادق بود.

مادرش: حمیده بربریه که شاید از مردم اندلس و یا از مردم مغرب بوده است. لقب این زن بزرگوار «حمیده مصفاه» بود. حمیده یکی از زنان با فضیلت به شمار می‌آمد زیرا به کار مهم نشر رسالت همت می‌گماشت و در این راه برخی از احادیث همسر بزرگوارش را نیز روایت می‌کرد از ابن سنان از سابق بن ولید از معلی بن خنیس روایت شده است که ابو عبدالله (ع) فرمود: «حمیده

مثل شمش طلا از هر آلودگی و چرکی پیراسته است. فرشتگان پیوسته او را پاسبانی می‌کردند تا به من رسید و این گرامتی از خداوند بود در حق من و حجت پس از من». (بحارالانوار، ج ۴۸، ص ۶ به نقل از کافی، ج ۱، ص ۴۷۷)

گزیده ای از سخنان امام موسی کاظم (ع)

۱- فروتنی در آنست که با مردم چنان کنی که دوست می‌داری با تو همانگونه رفتار کنند.

۲- بهترین وسیله ی نزدیکی به خدا، پس از شناخت او، نماز، نیکی به والدین، و ترک حسد و خود پسندی و فخر نازیدن است.

۳- آنکه خیانت ورزد و عیب چیزی را بر مسلمانی فرو پوشد یا از راهی دیگر او را گول بزند و مکر و خدعه کند، مستوجب لعنت خداوند است.

دروغ خدا بر او باد که امام راستین بود، و بهترین بود، در رهبری و خصلت‌های خدا گون و همواره تا انسان

بجاست از لب شهیدان و آزادگان بر او درود باد.

۱۹ دی ماه سالروز قیام خونین مردم قم

رحلت مرموز آیت ... سید مصطفی خمینی در آبان ۱۳۵۶ را می‌توان نقطه عطفی در نهضت اسلامی مردم ایران دانست. مجالس یادبود در سراسر کشور برگزار شد و در آن مراسم، تظاهرات گسترده علیه رژیم به پا شد. از این رو رژیم، تصمیم گرفت با توهین به ساحت حضرت امام خمینی، چهره ایشان را به عنوان رهبری نهضت مخدوش کند. در اواسط دی ماه ۱۳۵۶، پیک دربار، نامه مهور به مهر دربار را به داریوش همایون، وزیر اطلاعات و جهانگردی داد. او نیز نامه را به روزنامه اطلاعات جهت انتشار سپرد. مسعودی، صاحب امتیاز روزنامه، مفاد مقاله را باعث واکنش علما و روحانیون و برای آینده روزنامه خطرناک می‌دانست، اما در تماس با وزیر اطلاعات و نخست وزیر، آموزگار، دریافت که برخی از مفاد تند و تحریک آمیز آن به خواست شاه در مقاله آمده است. در این مقاله که با امضای مستعار "احمد رشیدی مطلق" در روزنامه اطلاعات به چاپ رسید، بطور صریح، بی‌حجابی فضیلت و حجاب، کهنه پرستی و ارتجاع معرفی و به ساحت مقدس امام خمینی، اهانت و قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، توطئه استعمار سرخ و سیاه معرفی شده بود. با انتشار این مطالب اهانت آمیز، اولین واکنش‌ها در شهر قم آغاز شد. مدرسین حوزه علمیه قم دروس حوزه را در روز ۱۸ دی تعطیل اعلام کردند و در این روز، طلاب با تشکیل اجتماع بزرگی تظاهرات خود را به سوی منازل مراجع آغاز کردند و تعدادی از علما و مراجع قم در سخنرانی

های خود، به حمایت از امام و محکومیت اهانت به ساحت ایشان پرداختند. بازاریان قم با مشاهده حرکت حوزه علمیه، تصمیم به تعطیلی مغازه های خود در ۱۹ دی گرفتند. روز نوزدهم دی ماه ساواک و شهربانی به کمک نیروهای کمکی از تهران وارد شده و در حوالی مدارس علمیه متمرکز شدند. افسار مختلف مردم با راهپیمایی به سوی منازل بزرگان حوزه، رفته رفته خروشان تر می شدند. نیروهای رژیم با مشاهده حرکت عظیم مردم تصمیم به حمله گرفتند و تیراندازی شروع شد و در این روز عده زیادی از طلاب و مردم قم به شهادت رسیده و یا مجروح شدند. نتایج و پیامدهای قیام نوزدهم دی: ۱- اثبات توخالی بودن شعار فضای باز سیاسی ۲- ثابت شد که شاه از حرکت مذهبی - سیاسی به رهبری روحانیت و در راس آنها، حضرت امام، بیش از هر حرکت سیاسی دیگر وحشت دارد ۳- نهضت در مسیر صحیح خود قرار گرفت؛ به نحوی که ترفندهای بعدی رژیم نیز بی ثمر افتاد ۴- متحجرین و مروجان جدایی دین از سیاست منزوی شدند. این قیام را باید تغه عطفی در تاریخ نهضت اسلامی دانست چرا که پس از آن امواج انقلاب اسلامی شدت گرفت و با چهره های پی در پی مردم نقاط مختلف ایران دامنه انقلاب فراگیر شد و در نهایت به سرنگونی رژیم پهلوی انجامید.

ارزش و جایگاه اربعین حسینی از دیدگاه مقام معظم رهبری: درسی که اربعین به ما می دهد، این است که باید یاد حقیقت و خاطره ی شهادت را در مقابل طوفان تبلیغات دشمن زنده نگاهداشت. شما ببینید از اول انقلاب تا امروز، تبلیغات علیه انقلاب و امام و اسلام و این ملت، چه قدر پرچم بوده است. چه تبلیغات و طوفانی که علیه جنگ به راه نیفتاد جنگی که دفاع و حراست از اسلام و میهن و حیثیت و شرف مردم بود. ببینید دشمنان علیه شهدای عزیزی که جانشان - یعنی بزرگترین سرمایه شان - را برداشتند و رفتند در راه خدا نثار نمودند، چه کردند و مستقیم و غیرمستقیم، با رادیوها و روزنامه ها و مجله ها و کتابهایی که منتشر می کردند، در ذهن آدمهای ساده لوح در همه جای دنیا، چه تلقینی توانستند بکنند.

حتی افراد معدودی از آدمهای ساده دل و جاهل و نیز انسانهای موجه و غیر موجهی در کشور خودمان هم، در آن فضای ملت‌هنگام، گاهی حرفهایی می زدند که ناشی از ندانستن و عدم احاطه به حقایق بود. همین چیزها بود که امام عزیز را برمی آشفست و وادار می کرد که با آن فریاد ملکوتی، حقایق را با صراحت بیان کند. اگر در مقابل این تبلیغات، تبلیغات حق نبود و نباشد و اگر آگاهی ملت ایران و گویندگان و نویسندگان و هنرمندان، در خدمت حقیقتی که در این کشور وجود دارد، قرار نگیرد، دشمن در میدان تبلیغات غالب خواهد شد. میدان تبلیغات، میدان بسیار عظیم و خطرناکی است. البته، اکثریت قاطع ملت و آحاد مردم ما، به برکت آگاهی ناشی از انقلاب، در مقابل تبلیغات دشمن بیمه هستند و مصونیت پیدا کرده اند. از بس دشمن دروغ گفت و چیزهایی را که در مقابل چشم مردم بود، به عکس و واژگون نشان داد و منعکس کرد، اطمینان مردم ما نسبت به گفته ها و بافته ها و یاوه گوییهای تبلیغات جهانی، بکلی سلب شده است.

دستگاه ظالم جبار یزیدی با تبلیغات خود، حسین بن علی (ع) را محکوم می ساخت و وانمود می کرد که حسین بن علی (ع) کسی بود که بر ضد دستگاه عدل و حکومت اسلامی و برای دنیا قیام کرده است!! بعضی هم، این تبلیغات دروغ را باور می کردند. بعد هم که حسین بن علی (علیه السلام)، با آن وضع عجیب و با آن شکل فجیع، به وسیله ی دژخیمان در صحرای کربلا به شهادت رسید، آن را یک غلبه و فتح وانمود می کردند! اما تبلیغات صحیح دستگاه امامت، تمام این بافته ها را عوض کرد. حق، این گونه است.

ویژگیهای امام محمدباقر (ع) و نقش ایشان در مسیر امامت

نویسنده: آیه الله شهید محمد باقر حکیم (بمناسبت ولادت با سعادت این امام همام (ع) تقدیم میگردد)

امام باقر (علیه السلام) در مرحله دوم از مراحل اهل بیت (علیهم السلام) به سر می بردند. ایشان از ویژگیهایی برخوردار بود که او را از امامان دیگر متمایز کرده بود، و با توجه به این ویژگیها می توان به نقش ایشان در این مرحله از امامت پی برد.

روایت تاریخی جابر در حق امام باقر (علیه السلام)

جابر در مدینه در حضور مردم می گفت: پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به من فرمود: تو یکی از فرزندان مرا درک خواهی کرد، نام او نام من، و شمائلش شمائل من است، دانش را به خوبی می شکافد، و نقش بزرگی در دانش خواهد داشت.

داستانهایی از دیدار او با امام باقر (علیه السلام) در کوچه های مدینه، آن زمان که امام، کودکی خردسال بودند نقل شده است. و در این رابطه روایاتی چند وجود دارد. البته این یکی از ویژگیهای آن حضرت در آن زمان و در آن جامعه به حساب می آید. چرا که این مطلب راجع به امامان دیگر بعد از امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) دیده نشده است، البته رسول خدا (صلی الله علیه و آله) امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) را مستقیماً خود معرفی نمود چون در زمان آن حضرت زندگی می کردند. اما امامان دیگر به صورت کلی از سوی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) شناسانده شده اند، و این دسته روایات با چند واسطه از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) شناسانده شده است که امامان (علیهم السلام) دوازده نفرند و نامهایشان چنین است. اما این که شخصی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) سخنی بشنود و تا دوره امامان زنده بماند و یک امام مشخص را به مردم معرفی کند، این فقط برای امام باقر (علیه السلام) محقق شده است، و تعریفهای دیگری که درباره امامان دیگر آمده است به صورت روایتی با واسطه های متعدد از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) رسیده است.

پس این مسئله که این صحابی در میان مسلمانان زندگی کند و از عزت و احترام و ستایش آنان برخوردار باشد، آن گاه با امام باقر (علیه السلام) هم‌دوران شود، و سپس این مسئله را در مقابل چشم مردم و بین قشر علمی مدینه که اول مرکز علمی دنیای اسلام بود مطرح کند، و در نتیجه مردم جایگاه امام باقر (علیه السلام) را از زبان جابر بن عبد الله انصاری بشناسند در حالی که او هنوز کودکی بود که در کوچه های مدینه می زیست، این یکی از مسائل بسیار مهم در جایگاه امام باقر (علیه السلام) به شمار می آید.